

### خواندن متون ادبی در افق پسا ساختگرایی

دکتر بهرام بهین

دانشگاه تربیت معلم تبریز

#### چکیده

متن محدود می‌کند و «معنی» و «تأثیر ادبی» برخی از رهیافتهای ادبی و زبانشناختی، متون ادبی را صرفاً به خواندن دقیق دستور زبانی» که متن بر اساس آن شکل گرفته است می‌جوید. ساختگرایی از جمله این «متن را درون متن و مبتنی بر نظام و سوسور و بی‌اعتنا به دنیای بیرون از رهیافتهاست ساختگرایی در ادبیات با الگو قرار دادن روش برگرفته از زبان شناسی تلاش بر این است که نشان داده شود که «شکست» خواندن دقیق متن در متن در پی کشف معنی متن بر می‌آید. در این مقاله دلیل جدایی آن از دنیای واقعی اجتناب ناپذیر است مفهوم یاد شده به

روشن می‌شود. دلیل توجه به پسا ساختگرایی این نکته با نگاهی به مطالعات پسا ساختگرایی در زمینه زبان، ادبیات و معنی که برای جبران نقائص و نارساییهای ساختگرایی به وجود آمده است، با دو چهره این باور نگارنده است که پدیده مورد نظر، برهاند، خود می‌تواند در ورطه خود در عین حال که می‌تواند فرایند خواندن متون ادبی را از تنگنای خواندن دقیق متن متناوب ی. آن افتاده و کارایی لازم را از دست بدهد.

واژگان کلیدی: ساختگرایی، پساساختگرایی، متن، ادبی

#### مقدمه

بیستم در غرب به شکلی موثر رایج شد یکی از شیوه‌های خواندن و تجزیه و تحلیل متون ادبی که در نیمه ی اول قرن تأثیر ادبی» متن بود. در این شیوه ی خواندن ادبیات، نقش عوامل بیرونی « خواندن دقیق متن برای دستیابی به «معنی» و متن و نظم و منطق و رخدادهای اجتماعی در تعیین «معنی» کمرنگ شده و به حداقل می‌رسد. تنها عناصر صوری مانند تاریخ است اهمیت می‌یابد. این شیوه خواندن را می‌توان درونی و ذاتی آن که تصور می‌شود عناصر صوری نیز نشأت گرفته از آن خاص تاریخ- فرهنگی غرب به شمار آورد که در آن به دلایلی چون نیاز مبرم به غالب نتیجه تخصص گرایی افراطی دوره ای صاحب‌نظران متخصص سپرده بر آشوب و هرج و مرج فرهنگی ادبیات، مانند بسیاری از پدیده های آکادمیک دیگر به دست آمدن بماند. «خواندن دقیق متن» پی آمد این طرز تلقی از علمی شدن شد تا از آسیب خواندن غیر علمی، پراکنده و نادرست در امان واقعی و نقادانه ی ادبیات بود که در نهایت به استناد تعاریف مدلهای علمی به جدایی از زندگی خواندن و تجزیه و تحلیل روزمره مردم انجامید.

علمی کردن خواندن ادبیات پرداخته می‌شود. در این نوشته، نخست به «ساختگرایی» یعنی یکی از فراگیرترین نظریه ها در نظریه به دلیل تخصصی کردن خواندن ادبیات و نادیده گرفتن نقش حوادث دنیای توجه به «ساختگرایی» به قصد انتقاد از این پرداختن به شکل گیری معنی، متن ادبی صورت می‌گیرد. سپس موضوع پساساختگرایی بحث می‌شود. هدف از واقعی در دقیق متن است. اما مشاهده می‌شود امکان تبدیل «پساساختگرایی» در علمی کردن خواندن ادبیات محدود کردن آن به خواندن متن» نیز هست که نقش آن را در گشودن افقهای جدید در خارج از محدوده ی «پسا ساختگرایی به نوعی خواندن دقیق فرایند خواندن از قید و متن» خنثی می‌کند. در بخش انتهایی مقاله، اهمیت نقش «پساساختگرایی» در رهانیدن «خواندن دقیق روشن تر می‌شود بند «خواندن دقیق متن» با ذکر نمونه ای از خواندن یک رمان

## ساختگرایی بارت

این مقاله بهتر است آن را در طرحهای نظریه‌ی «خواندن دقیق متن» تجلیات متعددی داشته است که به اقتضای موضوع بارت در اوج اندیشه‌های ساختگرایی خود با الهام از روش علمی سوسور، اولیه‌ی اساساً ساختگرایی رولان بارت جستجو کرد. کلمه‌ی «معنی» و «مرگ نویسنده» را اعلام کرد تا بتواند متن را به عنوان تجلی نظامی بخواند که تعیین «در زبان شناسی، آن نقشی داشته باشد. از این دیدگاه بارت، متن را برای نقش فرهنگی آن در جامعه‌ی زبانی باشد، بدون آنکه نویسنده در ایجاد آنها از «که توجیه کننده‌ی علت وجودی متن بود و باید توجه کرد که تعیین این «دستور زبان تعیین «دستور زبانی» می‌خواند ابزارهای مطرح در زیباشناسی سوسور می‌توانست عهده‌ی منتقد دانشمندی بر می‌آمد که با مسلح شدن به ابزارهایی از جنس به تعبیری «معنی» متن را کشف کند. به عبارت دیگری در این معادله جایی برای پرده از «نظام» نهادن در متن برگردد و، به تخصص و یا به عبارت عادی و غیره متخصص متصور نبود. در این روش باور بر وجود نظام نهادن در متن و نیاز خواننده کشف آن، متن را مبدل به پدیده‌ی انتزاعی می‌کرد که از بهتر «ذهنیت» شکل گرفته و استوار بر اصول علمی است که برای التهاب خود جدا شده و دیگر سنجی با آن نداشت دنیای واقعی پیچیده و پر

## پساساختگرایی بارت

اما پساساختگرایی وی، هر چند جذاب، اگر چه نظریه‌های ساختگرایی بارت تغییر کرد و ماهیتی «پساساختگرا» یافت؛ عنوان مثال، در کتاب لذت متن بارت به جایی می‌رسد که با هر آنچه به شکلی همچنان در محدوده‌ی خواندن متن باقی ماند. به نویسد و تخصصی در پی محدود کردن التذاد هنری مصرف کننده باشد به مقابله می‌پردازد. وی می‌نویسد:

لذت مصرف کننده بنا شده باشد، وی هر که می‌زیباشناسی را تصور کنید. که کلاً (کاملاً، اصلاً و به معنای تام کلمه) بر « خواهد تعلق داشته باشد، بی‌توجهی به فرهنگها و زبانها: نتایج آن بر آشوبنده خواهد باشد و به هر طبقه و گروهی که می‌بود». (بارت، ۱۹۷۶: ۵۹) و در جایی دیگر از آنچه چنین نقل قول می‌کند خواهد

عنوان شور (نه به عنوان «بودن» بلکه به ما حق نداریم بپرسیم آنکه تفسیر خود شکلی از قدرت اراده می‌باشد که به» (همان: ۶۲). «عنوان فرآیند و «شدن» وجود دارد

چیز است: جایگزین شدن ذهنیت علمی تغییر در خط مشی بارت گر چه بسیار محسوس می‌باشد؛ ولی عمدتاً به دلیل یک هر کسی باشد. ولی رهیافت بارت همچنان «متن‌گرا» است و خواندن، منتقد دانشمند با لذت جویی خواننده‌ای که می‌تواند که اولی برخاسته از (ecstasy) «و «سرمدستی (pleasure) «لذت متن. و این لذت دو نوع است: «لذت خواندن متن و لذت، s/z است که بارت آنها را در کتاب (writerly) نتیجه خواندن متون نوشتنی است، و دومی (readerly) متن خواندنی معرفی می‌کند (1974)

به آسانی برخوردار می‌کنند و مانعی بر به متون اطلاق می‌شود که «معنی» خود را (readerly) متون خواننده ندارد. بارت معتقد است که این امر ناشی از هماهنگی کامل این گونه متون با پیش سر راه خواندن و فهم آسان آنها وجود حقیقتی می‌خواند که یافتن آن لذت بخش خواننده است و خواننده آنها را به نیت دستیابی به (presuppositions) تصورات هر چه زودتر رسیدن به این «حقیقت» مورد نظر در حذف کردن و رد شدن از است. به هنگام خواندن این متون خواننده برای متن که احتمالاً «خسته کننده» و «غیرضروری» است به هیچ وجه تعلق نمی‌ورزد قسمتهایی از

می‌نویسد «آیا تاکنون کسی پروست، بالزاک، به نظر بارت رمانهای زولا، دیکنز، و تولستوی از این گونه متون هستند. وی بارت، ۱۹۷۴: ۱۱) برخلاف متون خواندنی متون نوشتنی متونی هستند که «جنگ و صلح را کلمه به کلمه خوانده است؟ می‌رود» درست و خسته کننده است. این گونه متون در مقابل خواننده مقاومت؛ «معنی» آنها همواره «در خواندن آنها مشکل نوشتنی را «نوشته‌های سفید» زبان می‌داند که به همانگونه که نخ جوراب در می‌رود- در زیر آن چیزی نیست. مرکوار متون معنی است، کاری انجام نمی‌دهد و کسی یا چیزی در پشت آن نیست. و این همه ناشی از شینی تبدیل می‌شود و فاقد ماهیت و مدلولی در زیر دال است که نهایتاً به حالتی است که بارت آن را «بازی زبان» می‌خواند. این به معنی سیال بودن همیشگی شود ماهیت بی ثبات دلالت در این گونه متون منجر می

حضور محسوس در نظریه وی دارد. نگارنده این سطور معتقد است که بارت همچنان «متن‌گرا» است و ذهنیت خواننده ذهنیات متفاوت را به دو صورت اقتناع می‌کند: یکی از متون آسان و خصوصاً که با تقسیم متون به دو گونه، خوانندگان با

در معنی خواندن برد و دیگری از نیافتن معنی در متن سر مست می شود. از دیدگاه این مقاله، متن گرای، «پیام دار» لذت می خواننده، در نهایت به جدایی و دور شدن از دنیای «دقیق متن برای یافتن چیزی در آن و همچنین محدود شدن به «ذهنیت خواندن به قصد یافتن معنی، حقیقت را عقیم می گذارد واقعی بیرون متن منجر شده و عمل

#### پساساختگرایی دریدا

در مفهوم عام آن خنثی نمودن نقش گوینده/ پاساساختگرایی پژاک دریدا در مقابل ضمن تعمیم ماهیت بی ثبات دلالت به زبان را نیز در پی دارد. این را می توان در انتقاد وی از روش سوسور یافت نویسنده و شنونده/ خواننده، شکل گیری معنی

مدلول. اختیاری بودن زبان بدین معنی است که از نظر سوسور نشانه زبانی دارای ماهیتی اختیاری است و تلفیقی از دال و خارج وجود ندارد. در مقابل ارتباطی روانشناختی بین دال و مدلول و یا به عبارت دیگر ارتباط طبیعی و مستقیم بین آن و دنیای ارتباط از دنیای خارج حرکتی انقلابی ایماژ صوتی و مفهوم وجود دارد که رابطه بین آنها دو روی یک سکه را می ماند. قطعاً معمولاً مدافع آن بودند. علیرغم این، عقیده ی سوسور مبنی بر دو در جهت تهی کردن آن از معنای طبیعی زبان بود که مورد انتقاد دریدا قرار مدلول و اولویت زبان گفتاری بر زبان نوشتاری، مشکل «ذهنیت» گوینده را در بر دارد و گانگی دال و به هدف باز نمودن زبان موجودیت یافته و بی ارتباط با نظام می گیرد. زبان گفتاری بر نوشتاری ارجحیت دارد و نوشته تنها درونی زبان است.

آگاهانه وی در نزدیک شدن به مفهوم ذهنی خود دریدا معتقد است حضور آگاه گوینده ی زبان به هنگام سخن گفتن و تلاش تنها دال و مدلول را با هم می آمیزد بلکه در این فرآیند دال محو می شود تا مفهوم برای بیان هرچه روشن تر و دقیق تر آن نه یعنی مدلول مستقل و بی ارتباط با سایر پدیده های زبانی نمایان شود.

در برابر زبان گفتاری است که برای سوسور و برای مقابله با این پدیده یکی از روشهای دریدا اهیت دادن به زبان نوشتاری زبان انگاشته شده و از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. باید توجه داشت که در بسیاری از اندیشمندان غربی شکل واقعی زبان بر شکل دیگری آن نیست، دریدا اهمیت دادن به زبان نوشتاری به معنی تقلید از سنت ارجحیت دادن به شکلی از روش گفتاری و زبان نوشتاری نظریه ی حضور چیزی در فراسو و پشت بلکه دریدا سعی دارد با از میان برداشتن تقابل بین زبان گوینده/ نویسنده و ذهنیت شنونده/ خواننده زبان را از بین ببرد زبان اعم از معنی، ذهنیت

فرانسوی که با چند وجهی بودنش در شکل به عنوان لفظی ( difference ) در این روش دریدا، زبان هیچ نیست مگر (است: ۱) ( difference ) بی ثباتی معنی بطور ساده ناشی از سه معنی متفاوت نوشتاری آن بی ثباتی معنی را القا می کند. این تعویق افتادن (لیچ، ۱۹۸۳: ۱۱) متفاوت بودن و بی شباهت بودن در شکل و ماهیت؛ (۲) پراکنده و بخش بودن؛ (۳) به تأخیر و نه به عنوان کلمه و مفهوم بلکه بیشتر به عنوان عنصری از زبان ( difference ) البته باید توجه داشت که برای خود دریدا عناصر زبانی را به شکل ارجاع است که در «بازی تفاوتها» با دیگر عناصر زبانی درگیر است، «بازی ای» که رابطه ی بین بتوان بر این عناصر حضوری در خود و برای خود متصور شد؛ بی سرانجام آنها به یکدیگر باعث می شود، بدون اینکه است ارجاع عنصری به عنصری دیگر ارجاع به چیزی است که نه حاضر است و نه غایب. نتیجه چیزی بنابراین در این معامله از تفاوتها و به تعویق افتادن ها. درون که دریدا آن را «رد» می خواند: رابطه ی بین عناصر زبانی در قالب نظام و شبکه ای عنصر همواره پراکنده و معوق است. از دیدگاه دریدا زبان و ساختار آن بدون در این نظام چیز ثابتی وجود ندارد و «معنی» هر در ماهیت زبان نقشی نداشته گرفتن «رد» قابل تعریف است؛ اما باید به خاطر داشت که در آن صورت دیگر زمان و تاریخ نظر بود. اینها تغییراتی جهشی خواهد بود که گذشته آنها به موقعیت کنون و تغییرات رخ داده در زبان نتیجه اتفاق و حادثه خواهد ای نظریاتی است در این رابطه دریدا به نظریه لوی ستراس ساختگرا در مورد زبان اشاره دارد که نمونه شان نامربوط است را پدیده ای می داند که «در یک حرکت حادث شده که به گذشته زبان بی اعتنا هستند. دریدا می نویسد لوی استروس زبان پاساساختگرایی دریدا را متفاوت از پاساساختگرایی بارت می کند سست و بی اساس کردن است» (دریدا، ۱۹۷۸: ۲۹۱) آنچه ذهنیت» گوینده و شنونده (نویسنده « معنی» که بارت نیز به آن ادعان داشت- نیست بلکه این تفاوت ناشی از بی اساس کردن» که متون را به انواع متفاوت تقسیم کرده و در نتیجه خواندن را عملاً و خواننده) و همچنین از میان برداشتن مرزهایی است پاساساختگرایی ضمن تهی کند، چیزی که پاساساختگرایی بارت مبلغ آن بوده است. تغییر متفاوت دریدا از محدود به متن می چنین القا می کند که در جستجوی معنایی برای متن، خواننده کردن متن از معنی، خواننده را حساس به زمان و مکان کرده و کرده و آن را در دنیای پر غوغای خارج از متن بجوید می بایست سر از متن بلند

## پساساختگرایی دریدا و خواندن متون ادبی

است که همچنان داعیه خواندن دقیق را با وجود این خصوصیت بارز دریدا، مکتبی چونان مکتب نقد ادبی بیل شکل گرفته بررسی آن خواهد پرداخت. یکی که از اهداف خواندن ادبیات مشاهده دنیا از دارد و نگارنده ی این سطور در فرصتی دیگر به در خواندن آن به و متفاوت است. اما همانگونه که از مباحث مطرح شده بر می آید محدود شدن به متن ادبی زاویه ای نو پرده ی ابهام باقی می ماند و نتیجه چیرگی نخواهد محدود شدن به ذهنیت خواننده می انجامد و حقیقت متن و جهان هستی در دستیابی به حقیقت جهان هستی. بنابراین، از دید این مقاله، خواندن متون ادبی می بود جز شکست خواندن متن ادبی به هدف «معنی» متن ادبی صورت گیرد. مثالی « بایست در بافت شناخت جهان واقعی خارج از متن و مناسبات تعیین کننده ی «ارزش» و خصوصیت پیچیده آن، که به دشواری «حقیقت» یابی منجر می شود، می از خواندن متون در دنیای پرالتهاب واقعی با تمام که جنجال The hand That signed the paper در سال ۱۹۴۴ در استرالیا رماتی منتشر شد به نام بتواند روشنگر باشد با نگاهی متفاوت به موضوع بلشویسم، آلمان نازی و برانگیز بود. این رمان که نام دمیدنکو را به عنوان نویسنده بر خود دارد خانواده ای از اهالی اوکراین است که پس از تجربه ی زندگی زیر سلطه ی بلشویکها و یهودیان می پردازد. رمان شرح حال سالها ویتالی کوالنکو عضوی از حامیان یهودی آنان در دوران جنگ جهانی دوم به استرالیا مهاجرت می کند و پس از گذشت سربازان آلمانی نازی در فعالیتهای ضد یهود آنان در اوکراین می شود. این خانواده و شخصیت اصلی رمان متهم به همکاری با اوکراین تحت اشغال با محور قرار دادن ویتالی کوالنکو به تصویر کردن آنچه در اوکراین بلشویکها و بخش اعظم رمان وجود اینکه اتهامات وارده بر کوالنکو صحت دارد، وی به سربازان هیتلری اتفاق افتاده بود اختصاص می یابد، و در نهایت با پیدا گرچه رمان به دلیل نگاه متفاوت و بحث انگیز خود به موضوع، موافقین و مخالفین بسیار. دلیل بیماری محاکمه نمی شود سه جایزه معتبر استرالیایی را از آن خود کرد؛ ولی به خاطر نگارش استادانه آن منقدین و صاحب نظران را به تحسین واداشت و آن بود که مخالفین حقیقتی را دریافتند که علنی شدن آن اوضاع را به کلی تغییر کرد. در اوج تمجید و ستایش رمان و نویسنده در خانواده ای از مهاجرین منقلب کرد. نویسنده جوان خانم هلن دمیدنکو که رمان نخستین اثرش بود مدعی بود که خود داده و براساس خاطرات اعضای خانواده وی نوشته شده است. ولی اوکراینی به دنیا آمده و علیرغم تخیلی بودن رمان، داستان با نویسنده هلن دارویل است و اصلاً متعلق به نژاد آنگلو ساکسون است و هیچ ارتباط اساسی مخالفین کشف کردند که اسم واقعی سویی داورانی که به کتاب جایزه مهاجرین اوکراینی ندارد. بر ملا شدن این موضوع سبب واکنشهایی قابل توجهی خصوصاً از بودند که به آنها دروغ گفته شده و داورای ایشان در مورد رمان یاد شده داده بودند شد. این داوران متفق القول بر این اعتقاد The hand that signed the paper است که مسأله بوده است. منتقدی در دفاع از این اظهارات چنین نوشت: «داوران می پنداشتند متأثر از این (مناسبات خواننده بودند)». (ایندایک، ۱۹۹۵: ۲۱ از نوع ادبیات مهاجرین است و آن را در این signed the paper)

## نتیجه

در این مقاله عنوان شده صورت گیرد یا آیا خواندن متن ادبی می بایستی در چهارچوب «خواندن دقیق متن» در مفهومی که مقاله آگاهی از این موضوع که «معنی» چیزی است که باید آن را در مناسبات در ارتباط با دنیای خارج از متن؟ از دید این متن «از کوچکترین جامعه ای جست که در متن از آن برخاسته، مهمترین نکته در خواندن ادبیات است. «معنی اجتماعی و آنگونه که در مثال رمان استرالیا می نماید این عناصر «معنی دار» آن گرفته تا کلیت آن، محصول «جامعه زبانی» است سلیقه ها، برخوردها و تضادها به آن شکلی ناهمگون و بی ثبات می بخشد بطوری که جامعه یکدست و منسجم نیست و اختلاف بیهوده رسیدن به معنی متن جستجوی معنایی ثابت در متن برگرفته از آن کاری ناممکن می شود. پس برای غلبه بر تلاش در خواننده می باید در پی روشی بود که خواننده را به دنیای پر بریده از جهان خارج و در چهارچوب نظریه ها و یا ذهنیت در کشف معنی او را با دنیای واقعی انسانها درگیر سازد. و چنین به نظر می رسد که روش هیاهوی خارج متن بکشد و پاسا ساختگرایی دریدا آنگونه که اینجا بحث شده نوید آن را می دهد.

## منابع

1- Barthes, R (1974) **Hill and wang**. Eng: R. Miller s/z . New york.

2- Barthes, R (1976) **The pleasure of the Text**. Eng. Trans. R. Miller. Lonathan cape.

- 3- Demidenko, H (1994) **The Hand That signed the paper**. Sydney: Allen & unwin.
- 4- Derrida, J (1978) **writing and Diff erence**. Eng> trans. A. Bass. Loundon: & keagun paul
- 5- Dirrida, J (1978) **structure, sign and play in the discourse of the human sciences**. In writing and Difference, 278- 93.
- 6- Indyke, A (1995) **Litrature, lies and history**. In The weekend Australian. August, p. 21.
- 7-Merquior. J (1986)**A critique of structuralist and post structuralist Thought**. From Prague to paris. London: verso.
- 8- Saussure, F. de (1966) **course, in General Linguistics**. Eng. trans. W. Baskin. New York: McGraw- Hill.

